

نسيم د اتننجو

سال یول، بهمن ماه ۱۳۹۱
ماهانه هنرمندی ایرانیان



ربر نظر ھبنت نظربر پا
طراح و مکاراھل: سید عبد اللہ خاطبی

نسبم ار الار دوائندگان اسنجھال حی کند

مندوخت پسلی: ۰۳۰۷۲۲۳۰۶۴۱

ماھنامہ: ۰۳۰۴۴۴۴۷۶۷

تلخ: ۰۳۰۴۴۴۴۸۸۷

ایمیل: INFO@3RDIMAM.COM

سچھاں لئاں اسلاک ایجاد نا شکر ایں
میرے ایکھی بیمار ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی

۱۲

سچھاں لئاں اسلاک ایجاد نا شکر ایں
میرے ایکھی بیمار ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی

۱۳

سچھاں لئاں اسلاک ایجاد نا شکر ایں
میرے ایکھی بیمار ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی

۱۴

سچھاں لئاں اسلاک ایجاد نا شکر ایں
میرے ایکھی بیمار ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی

۱۵

سچھاں لئاں اسلاک ایجاد نا شکر ایں
میرے ایکھی بیمار ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی
جس کو جوں جوں ایکھی

۱۶

67

آداب زندگی

همه‌ی توصیه‌های شب امتحانی

امشب ز غصت ای امتحان خواب ندارم

نیدن آن مفهوم جمله برای شان تداعی شده و به خاطر آورده من شود.
این طوری ذهن شان هم بیشتر درگیر مطلب من شود و مانگاری آن
هم افزایش می‌باید.

- ۱- خلاصت و مطرح شکه‌ای
مقدار این روش بهترین شیوه برای یادگیری مخصوصاً فراگیری مطالب درسی است. در این روش شما

باز هم طبق معمول هنوز چشم روی هم نگذاشتیم و یک آب خوش با خیال راحت بعد از امتحانات پایان شرم قبل نوشیدیم زنگ امتحانات این شرم به صدا نماید. خوب انتظارش راهنم نداشتیم که این فشردود مثل عجل معلم پر نهاده‌ی امتحان را روی دیوار اشان بینیم، در نتیجه هیچ‌هش درس لخوانیم و کوته‌باری از کتاب جزوه و تعریف جلوی چشم‌مان را می‌روند. چند ترفند حساب شده من تواند برای یک حضور موفق با کمترین تلفات ممکن بر ریشه امتحانات کارکشا باشد.

تکیلهای درس خواندن



پاداشت من کنید

و سپس کلمات کلیدی را روی طرح شکه‌ای مفرز من نویسید، درواقع نوشته‌های خود را به بهترین شکل ممکن سازماندهی من کنید و نکات اصل و فرعی را مشخص من کنید، هر طوری که بتوست در وسیع من توالید یعنی شکنی مقزی برای خودشان طراحی کنید، فقط مطوري باشد که به خوبی در مراجعه بعدی آن را یافته‌یید. در دفعات بعد به جای دوباره خواهی کتاب، فقط به طرح شکه‌ای مراجعه کرده و با دیدن کلمات کلیدی بتوش شده روی طرح شکه‌ای مفرز آن را خیلی سریع مرور من کنید، این روش مخصوصاً برای شبههای امتحان که فرست برای این‌که کتاب من تواند از روش‌های قلی هم بهتر باشد، چرا که در این روش اینجا شما مطالب را درک من کنید بعد آن‌ها را با داداشت من کنید، این خوب است، اما خلاصه‌ی بردازی کتاب را بدیند نکند خوب

حتماً تا به حال در تجربه‌های شب امتحانی به احساسات مثل «دیگر حوصله‌ای خواندن این کتاب‌ها را ندارم»، «هر چس من خونم کمتر من قسم» یا «ده بار خواستم بازم تو مخم نمرد» بروخوردارید، با شده که بعد از کلی خواندن درست شب قبل از امتحان من بینید که هیچ چیزی از این مشاراون و مختصان تحمیل‌شون غیر از اضطراب‌های معمول شب امتحانی، مهم‌ترین عامل بروز همچنین مشکلاتی را روش‌های غلط مطالعه من دانند، خواندن تکیلهای زیر من تواند پیشنهاد خوبی برای پیدا کردن روش صحیح مطالعه باشد.

۱- خواندن بدون نوشتن، این روش راهی نادرست برای مطالعه است و پیشنهاد نمی‌شود، مطالعه فرایندی فعال و پویاست و برای انجام یک مطالعه‌ی مفید باید از تمام حواس خود برای درک صحیح مطالعه استفاده کرد.

۲- خط کشیدن زیر نکات مهم؛ این روش شاید نسبت به روش قلی بهتر باشد، ولی روش کلیل برای مطالعه نیست، روش صحیح خط کشیدن زیر نکات مهم به این صورت است که ابتدا مطالب را بخواهید و مفهوم را کاملاً درک کنید و بعد زیر نکات مهم خط بکشید، تا آن‌که در کتاب بدنبال نکات مهم بگردید تا زیر آن را خط بکشید.

۳- حاشیده‌نویس؛ هر چند این روش نسبت به بروش قلی بهتر است، باز هم روش کامل برای درک عمیق مطالعه و خواندن کتاب‌های درس نیست، نوشتن بعض اشاره‌ها با عبارت‌های مفهومی که در نهایت به قسم مطلب اصل متن کمل من کند خوب است، اما خلاصه‌ی بردازی کتاب را بدیند نهش شود.

۴- خلاصه‌نویس؛ در این روش شما مطالعه را من خوانید و آنچه را که درک کردید به صورت خلاصه روی یک مفترجه یا گاشد پاداشت من کنید، البته این روش برای مطالعه مناسب نیست و من تواند از روش‌های قلی هم بهتر باشد، چرا که در این روش اینجا شما مطالب را درک من کنید بعد آن‌ها را با داداشت من کنید، این خوب جای یک مفروض مختصر، مفید و آسان هم حساب من شود، اما باز هم پیش‌روش برای خواندن نیست.

۵- کلیدبرداری؛ در این روش شما بعد از درک مطالعه به صورت کلیدی نکات مهم را پاداشت من کنید، درواقع کلمه‌ی کلیدی کوتاه‌ترین، راحت‌ترین و پرمفتش ترین کلمه‌ای است که با

تقسیم‌بندی کنید

چند نکته‌ی ریز ولی کارآمد

۱ همیشه وقت برای دوره کردن کنار بگذارید، سعی کنید آخین مسروط‌ها را تا یک ساعت پیش از امتحان تعطیل کنید، مهم‌ترین عامل فاصله کردن مطالبات سر امتحان، همین مسروط تا لحظه‌ی آخر است.

۲ کافی است وقت هم استفاده از چند کلک کوچک برای حفظ کردن مطالبات کارساز است، مثلاً اگر باید چند اسم را به ترتیب حفظ کنید (مثل نام سیاره‌ها)، می‌توانید حرف اول هر کدام را به هم بچسبانید و یک کلمه‌ی جدید درست کنید.

۳ حداکثر ۴۰ دقیقه زمانی که یک نفر می‌تواند فکر خود را روی موضوع منظرکر کند پیش از ۴۰ دقیقه نیست، بنابراین سعی کنید هر ۴۰ دقیقه که روی یک مطلب تمرکز کردید، با مطالعه داشتید، یک استراحت کوتاه چند دقیقه‌ای داشته باشید.

۴ برای امتحانات جنمای برنامه‌بری کنید، مهم‌ترین عامل موافقیت بر هر کاری، لازمه امتحان یک برنامه‌بری خوب و حساب‌شده است.

۵ اگر امتحانات مفهومی مثل ریاضی و فیزیک را از انتها مطالعات ندارید و وقت آن هم کافی نیست، درین فرجایی قبل از امتحانات، چنان‌یک بار به طور کمالاً مفهومی آن را بخوانید و فرست قابل توجهی کلتش خواهد داد و با خیال راحت‌تری درس می‌خواهید، لین‌طوری حتی اگر به یک فصل

۶ امتحانات حفظ کردن که نیاز به قسم و درگیری ذهن ندارند، مثل تاریخ را هر چه نزدیکتر به تاریخ امتحان بخوانید بهتر است، هر چند برای همان‌ها هم پیش‌مطالعه‌ها کار را آسان‌تر می‌کنند.

۷ اگر دو امتحان در یک روز دارید، یا با فاصله‌ی بسیار کم لازم قرار ندارد، سعی کنید بروندی خواندن ان‌ها را تا پیش از امتحانات بیندید و فقط قابل امتحان آن را مرور کنید، فشرده‌گی زیاد، احتمال فاصله کردن مطالبات را افزایش می‌دهد

وقتی از بخش زیادی از کتاب امتحان دارید و باید مطالب زیادی را بدانید بهتر است به جای وحشت کردن لازم مطالبه از همارا به قسم‌های تکچک‌تر تقسیم کنید، مثلاً اگر برای درس زبان باید معنی ۲۰ لغت را حفظ کنید، از همارا به گروههای چهار تا پیش تقسیم کنید و هر گروه با یک لغت را حفظ کنید، بعد از پنج

اگر دو امتحان در یک روز دارید یا با فاصله‌ی بسیار کم از هم قرار دارند، سعی کنید بروندی اخواندن آن‌ها را تا پیش از امتحانات بیندید و فقط قابل از امتحان آن را مرور کنید، فشرده‌گی زیاد، احتمال فاصله کردن مطالبات را افزایش می‌دهد

روز، همه‌ی ۲۰ لغت را حفظ خواهید کرد، این کار از نظر رواس هم شمارا آسوده‌تر می‌کند، طبیعی است وقتی یک جزوء با کتاب ۱۰ صفحه‌ی را در مقابل خود می‌بینید، گپا من کنید و آن قدر استرسی من‌شویید که یک فصلش را هم به زیر می‌خوابید، اما اگر جای یک کتاب ۱۰ صفحه‌ی را خود بگویید من ۵ فصل ۸ صفحه‌ی امتحان دارم، بار اضطراب را به صورت قابل توجهی کلتش خواهید داد و با خیال راحت‌تری درس می‌خواهید، لین‌طوری حتی اگر به یک فصل هم ترسید، خیال‌تان راحت است که چهار پنجم آن را خوانده‌اید.



تحقیق اشتباهی



دانشجویی که سال آخر دانشکده خود را می‌گذراند به خاطر پروژه‌ای که انجام داده بود جایزه اول را کرفت.

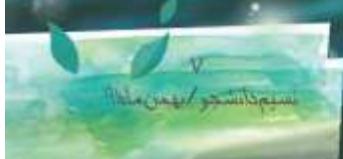
او در پروژه خود از ۵۰ نفر خواسته بود تا دادخواستی هبنتی بر کنترل سخت یا حذف ماده شیمیایی «دی هیدروژن مونوکسید» توسط دولت را امضا کند و جرای این درخواست خود. دلایل زیر را عنوان کرده بود:

- امقدار زیاد آن باعث عرق کردن زیاد و استفراغ می‌شود.
 - یک عنصر اصلی باران اسیدی است.
 - وقتی به حالت کاز در می‌آید بسیار سوزاننده است.
 - استنشاق تصادفی آن باعث مرگ فرد می‌شود.
 - باعث فرسایش اجسام می‌شود.
 - حتی روز ترمهز اتومبیل‌ها اثر منفی می‌گذارد.
 - حتی در تومورهای سرطانی یافته شده است.
- ازینچه نفر فوق ۴۳ نفر دادخواست را امضا کردند.
- ۶ نفر به طور کلی علاوه‌ای نشان ندادند و اما فقط یک نفر می‌دانست که ماده شیمیایی «دی هیدروژن مونوکسید» در واقع همان آب استا عنوان پروژه دانشجوی فوق «ما چقدر زود باور هستیم» بودا



لیکر الکار اندر میخانی

مودن قلب همچنان بس نمود . لیکر تو بس نمود نمود
کفت که با یک خود قلب . هر دفعه همچنان نمود نمود
استر را سک ، همچنان . دیگر به فواید کند
وراه کفر از عالم . درین شرک نمود جو من
می زد زمان مبارکه . درین شرک نمود جو من
محمد ترمیم کرد . گاو بسته نمود نمود
فواید یک خود را کنم . دیگر دگ نمود نمود
دوونکه می یک خود را کنم . دیگر دگ نمود نمود
اقه ز بینده چشم میر . عذر میسر نمود نمود
توب قلب همچنان گرد . دید ندانم از همه دید
فتنه کشیدم قبور حادت ندانم از همه دید
لیکر . بیان شدم . قدر میسر نمود نمود !!!



آدار تلاوت

مقاله ای که در بین من آید، برگزرنمۀ از کتاب ارزشمند معراج السعاده تألیف مرحوم ملا احمد نراقی است. پدر وی، ملا محمد مهدی نراقی، از علمای برگزرنمۀ به شمار من روزه و کتاب جامع السعاده از اوست. ملا احمد نراقی به سال ۱۲۴۵ هجری فقیری در نراق (از توابع کاشان) درگذشت و پسکریل به نجف انتقال یافت و در آنجا دفن شد. ملا احمد نراقی تأثیرات فراوانی در فقه و اصول و اخلاق و ادب و معراج السعاده در شمار آثار اخلاقی او فرار می‌گزد. در این کتاب، به موضوعات گوناگون اخلاقی پرداخته شده که ما بخشی از مبحث او را در آواب تلاوت قرآن در دو قسمت، با تفسیر و تصرف می‌آوریم که قسمت اول را در این شماره من خواهیم داشت.

بدان که مواب تلاوت قرآن و فضیلت آن از حد بیان افروز است. از حضرت پیغمبر حسن اللہ علیہ وآلہ مردی است که: «فیچ شفیعی در روح قیامت پسندیده تر از قرآن نیست، نه پیغمبری و نه ملکی و نه غیر اینها».

و فرموده کند: «خدای تعالیٰ هزار سال پیش از آنکه عالم را خلق کند، سوره طه و پیس را خواند. چون ملاتکه آن را شنیدند، گفتند: خوش به حال امتنی که این بر ایشان نازل هودا و خوش به حال سینه هایی که



ب

ت قرآن

(قسمت اول)

1. آداب ظاهري

ختم قرآن کند». البته در ماه مبارک رمضان، احادیث وارد است که: «در هر سه روز، یک ختم بگذارد».

و از جمله آداب، آن است که گفته شد و اگر اورا گزینه نیامد، خود را به گزینه پرداز و اندکی بلند بخواند (اگر از زبان اینم باشد)، و اگر توانند حدای خود را بست دهد، اما نه به نحوي که مشتمل بر ترجیع باشد، و حق ایات را مراعات کند، بدین نحو که چون به آیه سجده رسد، مسجده کند. و چون به آیه عذاب رسد پنهان به خدا گفید، و چون به آیه رحمت و ذکر نعیم بهشت رسد، آن را از خدا مستلت نماید، و چون به آیه ای رسد، که مشتمل بر تسبیح یا تکبیر پروردگار باشد، تسبیح و تکبیر او کند، و چون به آیه دعا و استغفار رسد، دعا و استغفار کند.

یعنی دیگر از آداب ظاهري قرآن آن است که در ابتدای قرائت بگوید: «اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم». و از هرسوره که فارغ شود بگوید: «صلق اللہ العلی العظیم و بلغ رسوله الکریم اللہم انفعنا به و بارک لنا فیہ الحمدلله رب العالمین».

منبع: کتاب معراج السعاده، علامه تراثی،

اینها را حفظ کند! و خوش باد حال زبانهایی که اینها را بخوانند!».

و فرموده که: «هرگاه قرآن در پوستی باشد آتش به آن نمی رسد»؛ یعنی: هر کس قرآن را حفظ نموده باشد، آتش پوست بدن او را نمی نمی کند.

و نیز از آن حضرت مروی است که: «اینها زنگ من گفته: همچنان که آهن زنگ من گفته. شخصی عرض کرد: یا رسول الله! جلای آن چه چیز است؟ فرمود: تلاوت قرآن و یاد هرگ».

احادیث در خصوص تواب تلاوت قرآن بی خد و حضر است و چنگنه چنین نباشد وحال اینکه آن کلام پروردگار است و حضرت روح الامین حاصل آن، و بر سید المرسلین تاذل شده است.

اما آداب ظاهري آن، عبارت است از داشتن وضو به طریق ادب، با سکون و وقار نشسته یا ایستاده رو به قبله و سر پیش افتکده و تکه نزد و چهار زانو نشسته باشد، و پای خود را نکشیده باشد: بدکه مانند کسی باشد که در نزد شخصیت جلیل الشأن من نشیدنی یا من ایستاد، و قاری قرآن شمرده و به نائب بخواند. از این روز، در احادیث رسیده است که «هرگاه کسی در کمتر از سه روز قرآن را ختم کند، دلایلیست». در حدیث دیگر است که: «خوش ندارم که کسی در کمتر از یک ماه، یک

نهضت پد ایشکدرا «ع» چه تفاوت با قیامها دیدگرد است؟

آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی

دست توپلند و دست من پاقد، البته بعضیها هم می‌ایند شعارهایی من «هدت که می‌خواهم اصلاحاتی کنم»، بعد هم می‌بینیم دروغ درآمد، اما قیام‌های الهی این طور نیستند، چون هدف ته ریاست است و نه پول، هدف دین است، دین باشد و لو من باشم هدف این است که دین باشد، امام حسین همین را می‌گفت، از اول تا آخر قیام گلت که می‌دانم من را می‌کشند و همه شما را هم که با من هستید می‌کشند، نه به کسی عده سمت و ریاست داد و نه وعده پول، این دو قیام صد و هشتاد درجه با هم تفاوت دارند، امام حسین بسیار زیان‌آخر

حضرت در خطبه منابعا صراحت انگیزه‌های مادی چون پول و مال و جاه و ریاست را از حرکت خودشان نفسی می‌کنند؛ خدا! بدون شک میدانی کاری که ما انجام می‌دهیم برای به دست اوردن قدرت سیاسی و تروت و نعمت‌های زائد نیست.

خطبه هدفش را بیان می‌کند، به خدا می‌گوید: خدا! میدانی که قیام من نه برای ریاست است و نه برای پول، بلکه من خواهم دین تو را نگه دارم هدف من پیش از اسلام است، اسلام باشند و لو من به حسب ظاهر قانی شوم، این تفاصیل ماهیوی و ریشه‌ای قیام حضرت بای قیامی بشیری است.

برنامه‌ریزی چندین ساله امام برای قیام امام حسین چه موقعی دارد این سخنان را می‌گوید: دو سال قبل از واقعه عاشورا، در من و در جمع بیش از هزار نفر از صحابه پیغمبر و تابعین آیا امام حسین میدانست دارد چه کل میکند؟ آیا در عمل اجماع شده قرار گرفت؟ کسی که چنین حرفی بزند، سواه و اطلاحات تذاره همه کارهای امام حسین حسابشده است، دهها سال پیش روی این حرکت، حدیثگری و کار کرده بود.

«دید مادیگری همین است، سما پیشینه این این قدر بیرون خرج می‌کند برای اینکه به ریاست برسد، می‌گوید: ما احسان تکلیف می‌کنیم این حرفا و شبیه‌ها و فریکارها چیست؟ اگر احسان تکلیف کردی باید برروی از هر دری که شده از هر راه حرام و حالی که شده دست بیدازی و آن مسلم را به چنگ بسازی؟ این قدر خرج می‌کنی که به یک مقام و منزلت اجتماعی برسی؟ این برای خداست؟

یاری نکردن امام؛ خاموش کردن نور

انبوت

حضرت سیس یک «طلب اساسی را مطرح می‌کند»، به حین جمعیتی که بودند خطاب می‌کند که «لطفه من این است که اهمیت میدهم اما شما؛ فلکتم لا نشریلا نصیلوا قوی الطائفة غایلتم، و غلیوا فی إطقاء لکور تیکتم»، یعنی اکثر شما دست به کار نشود و

اشاره این مسلسل مطالب بیانات آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی راجع به خطبه امام حسین «الله» در منابعه خطبهای که حضرت در سال قبل از واقعه عاشورا ایجاد کردند، این خطبه سه بخش دارد و مسأله آن بخشها هم ناظر به حواله ایست که بعد از پیغمبر اکرم (ص) آن زمان پیش آمده بود، در پخش اول این خطبه، امام حسین «الله» مسلسله امامت و نقل آن در اسلام را مطرح قرموه‌هاند، در پخش دوم هم مسلسله امر به معروف و نهی از منکر را به اعلیار آن لا ابابی گزیر هایی که پس ایمه به نام دین ترویج می‌کردند، بیان کرده‌اند و در پخش سوم هم وظیله افرادی را که در جامعه وجود داشتند پس ایمه در امور حکومت دخلستند و چون به وظیله شان عمل نکردند، این مقادس پیدا شد.

هدف امام حسین «الله»، ریاست و مال نبود

هدف امام حسین «الله» از این قیام، مادی دلایلی نبود و این قیام ماهیت و از نظر هدفه با قیامی بشیری و حرکت‌های اجتماعی در جوامع که نظایر را کشان می‌زنند و نظام دیگری را پیاویزد، تفاوت دارد، امام حسین «الله» بعد از این سه بخش که خطبه به صیغه پیش از هزار نفر صحابه و تابعین در منابعه، من فرمایید: «اللهم إلك قلم آن مم يكمل شان ملنا تلقاها في سلطان و لا تلقاها من قلوب الخطاطم»؛ خدا! بدون شک میدانی کاری که مادی اجماع می‌دهیم، برای به دست اوردن قدرت سیاسی و تروت و نعمتهاي زائد نیست، یعنی بیزاره سا بر ضد دستکاری پس ایمه و خود مطلعه (که

حضرت قبلاً با صراحت گفت)، نه برای جاه ایست و نه برای مال، «وَلَكِن لِنَفْتِنَ الْمُقْلِمَ مِنْ دِيْنِكَ وَلَكِنْ الْإِشَاعَةِ فِي سِلَادِكَ وَلَكِنْ يَقْشِلْ بِفَرِيقِكَ وَلَكِنْ شَيْئَكَ وَلَكِنْ أَخْتَارِكَ» (۱)، بلکه برای این بود که اصول و ارزش‌های درخشان دینیات را از ایه کشم و در کشور و قبر و حکومت اسلامی اصلاحات پدیده بیاورم و پندگان ستدیده، این و برخورد از حقوقشان بالله، همچینی به وظایف و احکامی که مقرر داشتهای عمل شود، وقتی حضرت به خدا خطاب می‌کند، عطاشی این است که با خدا من گویید: که هدف من بیان اسلام است: قیام من برای بیان اسلام است نه برای ریاست و مال.

همسو بودن سخنان امام حسین و پدر بزرگوارشان

آیینی که اهل تحقیق مستند به مرح نجع البانه این این العدید مراجعه کنند، در آنچه تغییر این جملات را از علی «الله» تقلیل میکند، «اللهم إلك قلم آن مم يكمل شان ملنا تلقاها في سلطان»؛ این برخطودی که ما با اینها داریم برای حکومت نیست، «وَلَا تُلْخَلْنَ قُرْبَ مِنْ قُلُوبِ الْخَطَاطِ»؛ برای پول هم نیست که بخواهیم زیده طلبی کنیم و بول بیشتری گیرمان بیاید، «وَلَكِنْ لِنَفْتِنَ الْمُقْلِمَ مِنْ دِيْنِكَ وَلَكِنْ الْإِشَاعَةِ فِي سِلَادِكَ فِي أَنَّ الْمُقْلِمَوْنَ مِنْ عِبَادِكَ» (۲)، کانه حسین «الله» در اینجا همان جملات پدر را نسبت به حدیثگری قیامت استخدام کرده است، سخنان علی «الله» و حسین «الله»، همچ تقویت شدند.

تفاوت ریشه‌ای قیام امام حسین با سایر قیامها ماهیت این قیام با قیامی بشیری غرق می‌کند و فرقشان این است که قیامها بشیری این است که تو نباشی و من باشم، ریاست

مقبولیت عمل است. بطلان و اینها ظاهر و «ستورات» شرع است، اینکه مثلاً وقتی نماز میخواли، رویه قبله پاشی، ایامت پاک باشد، نماز صحیح است، اما اگر و لایت نباید مقبول نیست، یعنی خدا آن را لمیدارد؛ مقبولیت عمل را هم در این طرف گذاشتند.

ما در اینباره، دو دسته روابات داریم، مثلاً از پیغمبر داریم که فرمود: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا قَلَّتِ الْأَعْدَنِيَّةُ كُلُّ رَجُوعٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطْعَثَ إِلَيْهَا رَجُوعًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا جَلَّتِ الْأَعْدَنِيَّةُ كُلُّ رَجُوعٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطْعَثَ إِلَيْهَا رَجُوعًا»^(۱) میگوییم؛ بنابراین اگر شما یعنی چهره‌های دشی و مذهبی که در جامعه جایگاه و مقامی دارید، ما را در این راه پاری نکنید، بدایلید که این ستمگرها در مقابل شما قدرت پیشیزیداً خواهند کرد و در خاموش کردن مشعل تیغوت «فاللهم خواهد شد، اینها سی» خواهند اسلام را از بین ببرند.

امام حسین برای بقای اسلام قیام کرد، چون دید که اگر بقای اینها مانند، فاتحه اسلام را بیگانه نمایند، «وَ عَنِ الْإِسْلَامِ شَلَامٌ»^(۲) از اسلام دیگر خبری نیست و کارش تمام نیشود. این هم تالی فاماً پاری نکردن امام که فرمود: «فَلَئِكُمُ الْأَقْبَرُ وَ تَلَمِّعُوا قَوْيِ الظَّلَّمَةِ عَلَيْكُمْ وَ عَمِلُوكُمْ إِنْ يَعْلَمُونَ».

ولایت امام عادل؛ شرط قبولی اعمال

اگر در معارف اسلام شگاه نگیرد، هم راجع به اطاعت از حکام جور و هم راجع به اطاعت از حکام که جور نباشد، مثل موصومین «ملوک الله عليهم» داریم که اطاعت از حکام جور موجب عذاب و حساب الهی میشود و لو اینکه به همه واجبات هم عمل کنی و هیچ‌بک از محیمات را هم انجام ندهی و حتی مجاز شد بخوبی، یک وقت میگوییم؛ گوی که شرب خمر گرده یا غلیت گرده یا دروغ گفته یا تهمت زده یا نلعویله زنا گرده است، به جهتیم میبود؛ اما در اینجا شخصی، هرچ کدام لا این کارها را نکرده است، از آن طرف به تمام واجباتش هم عمل گرده است؛ اما چون از حکام جور، یعنی کسانی که از نظر الهی برای حکومت نیافتند، اطاعت گرده است، مستحق عذاب خواهد بود.

اطاعت از حاکم جور با همه اعمال نیکی که داری موجب میشود که تو را مستقيم در انتخاب، اینها فهمه روابت دارد، در مقابل، کسانی که از نظر پژوهش حکومت مقتیمه بودند از حکام که خدا آنها را منصوب گرده است، اطاعت گند، تمام اعمال نیکی که دارند است، اعمال آنها مثبت نیست، مزدود است، ولی اعمال اینها مقبول است.

در وسائل الشیعه هم باشد در منتهی مقولیت اعمال به ین بریش ولایت منصوران از ناحیه خداوند وجود دارد، این دو نتا حرف است، یک وقت بحث بطلان فعل است، یک وقت بحث

در قیام های شری مراندانزی می شود، گوشتا می شود، همه این قیام ها همین است. اما قیام های الهی این طور نیستند جون هدف نه ریاست نه بول هدف دین است. دین باشد و لو من نیاشم. امام حسین از اول تا آخر قیام گفت می داشم من را می کشند و همه شما را هم که با من هستید می کشند؛ نه به کسی وعده بست و ریاست داد و نه وعده بول. این دو قیام صد و هشتاد درجه با هم تفاوت دارند.

توانی حاکم جالتر که منصوب از طرف خدا نیست، نمی‌پاریم.

حاکم الهی، جامعه را الهی میکنند

مسئله امامت در اسلام، چنین زیرنویس مذکور است که اگر دارد، اینکه روی این مطلب تأکید میگیرند

حاکم، الهی بود، جامعه هم بک

بینش الهی بیندازند و روال کارها، روال الهی می شود. ولی اگر او الهی نبود، بتدربیح این دین الهی و آئین اسلام از بین خواهد وقت، این همان است که امام حسین «الله» میگفت، روابش از امام عاشتم «الله» است که من بخنی از آن را میخواهم، حضرت فرمود: «إِنَّ الْإِيمَانَ أَنَّ اللَّهَ إِنَّ الْإِيمَانَ أَنَّ اللَّهَ»^(۳) حضرت کار را نیام کرد و فرمود: ریشه اسلام امامت است اگر این ریشه را بکسر درخت هم از بین خواهد رفت. «إِنَّ الْإِيمَانَ أَنَّ اللَّهَ» این همان حرفی است که در خطبه کفایم و امام فرمودند.



فنهای جلایی، فرهنگت یا تهییجی برای خانواده؟



هوشمند، پا تلویزیونهاهی متصل به اینترنت یا به عرصه رقابت با حرفهای سنتی خود گذاشته است. با این اوصاف ارتباط و الدین با فرزندان ایکوسوپهای دایل تغییرات به وجود آمده در سینک زدنگی طنجه‌های اینفری با شیب تندی رو به کامش گذاره است و از سوی دیگر ظریفهای مهار نشده موجود در فضای مجازی فرهنگت کم باقیمانده براز ارتباط را از طرف من گیره و در دنگ اینکه حريم خانواده با همچنان فرهنگهای سعاض در لوریده شده و فرزندان پاک در مواجهه با خطرات بی‌شمار این فضای پذفان مانده‌اند. خدم اکنضی و الدین تسبیت به تهدیدهای این فضا اسکان نظارت و کنترل را ملطف میکند. دیگر صحبت از صفات از فرزندان در پایان افراد غریب، مشابه آنچه در جهان واقعیں اعتماد میکنیم، این معنی خواهد بود و الدین در تربیت فرزندان نقش الفعالی به عهده خواهد داشت.

باید توجه کرد در کنار تهدیدهای و تلاطع دفع پیش کلته فضای مجازی در سیاری از موظفهای و پیشرفت‌های کشوف در عرصه‌های مختلف علوم و خدمات و بیرون زدنگی مردم نقشی بین‌بدیل داشته است. بر همین مبنایست که رهبر معظم اقلیب اسلامی می‌فرماید: «اینست از نعمات الهی است»، و یقیناً باید از نعمات الهی به بهترین نحو ممکن بهره برد. حوزه علم و فناوری و از جمله فناوری‌های موجود در فضای مجازی، با سرعتی شکلکشانگری در حال پیشرفت است. پیکارگیری این فناوری‌ها توجه به کنار مختلف مانند آثار اجتماعی و فردی که ایجاد می‌کنند، تیازمند فراهم آوردن اندکی است، وروز و شب مهابا به این فضا خسارات جبران‌نایابی را به وجود می‌آورد که اهلهاهای متعدد از زندگی روزمره مردم قابل مشاهده است. ایجاد همزمانی بین این‌رفت در فناوری و فناولیت پیکارگیری محصولات آن پیامند، برآمده‌بزی و همچنین مدیریت در استقرار است که از نکایف فلسفی حکومت محسوب میشود.

اما وظیفه دروغی و قاتلی و الدین تسبیت به خاندان و تربیت فرزندان مستولیهای را مستحبه و مستنده توجه آنان میکند. کسب علم و اکامی تسبیت به کاربرها و قابیتهای فضای مجازی اولین کام لازم در انجام وظایف تربیت محسوب میشود. بدینه است اعمال نظارت و کنترل بر محیط ناساخته ناممکن است. لذا آموختن و به روز شدن و به روز ماندن از شروط ضروری برای موظفیت والدین در تربیت فرزندان است.

همان گونه که پیشتر نیز ذکر شد، اگر چه عدم حضور غیریکنی والدین در محیط خانواده یکی از جالش‌های انسانی در راه تربیت فرزندان نلق شده است، اما به نظر مرسد فضای مجازی ماهیتاً منکر این جالش باشد. جهان در فضای مجازی، جهان وصل است و عدم حضور در آن اختیاری است. براز برقراری ارتباط محدودیتی نیست. حتی پیش از گذشته زمینه ارتباط همه اعماق خانواده‌گرام است. زمان و مکان، دیگر به

خدادند مفعال در سوژه تحریم آبه «ایکوساپهای» کسانی که این از داردیدا خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنجک‌ها هستند،

نگاه دارید، نگلداری و خبلات از خانواده از طریق تعطیل و تریست، امر به معروف و

نهی از منکر و ایجاد محبیت پاک و عاری از آزادگی، قبل حصول است.

امام سجاد ع، مبشرای حق فرزندت بر توان ایست که بدان وجود از توست و نیک و بدبختی او در این دلبایه تو ارتباط دارد، بدانی که در سربرستی او مستولی،

موظفس فرزندت را با آداب و اخلاق پسندیده بپوشاند،

دهن، به رقتار خود در تربیت فرزندت توجه کنی، در پیشگاه

پدری بشن که به مسئولیت خود لبکی، کنی، مساحق

خداوند اجر و پاداش، داری و اگر دریابد او بدبخت

مجلات و کیفر عواهی بوده» (اسکالم الاشاق). در ماده ۴۰ قانون مدنی لیزان‌آمده

است: «زوجین باید در تشیید میان خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معتقدات قابلیه،

بدین تربیت، والدین وظیفه دارند در چهارچوب دین، فرزندان خود را در ابعاد جسمی

«امام سجاد ع»: حق فرزندت بر تو این است که بدائی وجود او از توست و نیک و بدنهای او در این دلبایه تو ارتباط دارد. بدائی که در سربرستی او مستولی، موظفس فرزندت را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی، به رقتار خود در تربیت فرزندت در تربیت فرزندت توجه کنی.

علمی، مهارتی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی تربیت کنند، بدون تزدید همراه با تحول شدن حواسی ملوله تربیت نیز بالامات و خرابی جدیدی مواجه خواهد بود در عصر حاضر شاهدیم فرزندان از طریق تربیت خانواده با مفهوم خان آن مشتمل بر اقامه و پستانک، محروم و این نهاد اجتماعی به جزیره کوچکی بدل شده است. از سوی دیگر اتفاقات زنگی از جمله فرابیط اشتغال سبب شده است تا ازبط والدین و الدین در حداقل سطح ممکن صورت بادرد و رشد فرزندان با خصوصیات کمی و بعضی غایبیات والدین شکل گیرد. از خرم بخش نهادهای اجتماعی پیترجع متكلّم و علیین شاهدان که به عهده والدین بوده است.

تربیت فرزندان، البته بدون آنکه بدرستی تبین شود، بین والدین و عمدة مدرسese تقسیم شده است. اگرچه مدارس نتش سپارمه‌های مهیمن در تربیت فرزندان ایضاً میکنند، اما رسالهایها با وجودی پرقدرت به حريم خانوادهایها با تأثیرگذاری بعضاً بین والدین، نقش محبوی در تربیت به عهده گرفته‌اند. گفته میشود بینش از ۷۰ درصد مردم، اوقات فراغت‌شان را داخل منزل و صرف برآمده‌های هدا و سیما میکنند، همچنین در بعد قابل توجهی لای نیمال به صورت افتراق اورکوت

صرف میشود. رشد سریع فناوری، حرمون رساله را ایز به طور پیوسته متاثر میسازد و هر روز شامد ظهور جلوه‌ای نو از رسالهایها در فضای مجازی هستند، هنوز بهره‌مندی از آنچه تویی مههگیر نشده نسل جدیدی از رسالهای دیداری، شیداری با عنوان تلویزیونها